



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

جایگاه رفراندوم در تحولات سیاسی ایران

۱- رفراندوم درون حکومت

فاتح بهرامی

رفراندوم یکی از مفاهیمی است که در صحنه سیاسی ایران توسط طیف های سیاسی متفاوت بعنوان یک ابزار در جهت تحقق اهداف آنها مورد تاکید قرار میگیرد. در درون رژیم، نه تنها گروه های دوقرادی که در اوج استیصال از رفراندوم بعنوان یک تهدید در مقابل جناح راست و آخرین سلاح در خدمت پروژه اصلاحاتشان یاد میکنند، بلکه حتی امثال عسکر اولادی مسلمان هم، مستقل از نیت او، برای خلع سلاح طرف مقابل از موافقت با رفراندوم حرف میزنند. در بیرون رژیم نیز از گروه های اپوزیسیون طرفدار رژیم تا جریان سلطنت طلب و رضا پهلوی و همچنین برخی سازمانهای دیگر به رفراندوم بعنوان اصلی ترین ابزار در جهت اصلاح حکومت یا تغییر آن تاکید میکنند.

جالب اینست که این طیف ناهمگون که هر کدام با دیگری بر سر شکل حکومت یا شیوه های اداره جامعه با همدیگر اختلاف دارند، رای مردم را در یک رفراندوم بنفع مردم و اهداف خود ارزیابی میکنند. همگی آقتر به مردم لطف دارند که حاضر هستند سرنوشت سیاسی خود را به رای مردم بسپارند و از فرط دمکرات بودن تسلیم رای مردم شوند! اما در این میان مردم با تعجب از این همه آزادمنشی رفراندومی بر بر نگاهشان میکنند و با این معما روبرو میشوند که چگونه از نظر هر کدام اگر به رای ما مراجعه کنند او را از صندوق در میاوریم؟ مثلاً اگر آقای خاتمی یا دو خردادیهای دیگر به ما مراجعه کنند، ما در رفراندوم درخواستی آنان بنا به نوع سوالی که از ما میکنند، افزایش اختیارات رئیس جمهور یا حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان یا حذف نقش ولایت فقیه مطلقه را پاسخ میدهم. و اگر آقای عسکر اولادی یا رهبر در مورد مثلاً حکومت عدل علی و برچیدن فساد اقتصادی و فرهنگی بیرسند، رای به حکومت الله میدهم. و اگر آقای رضا پهلوی هم در مورد جمهوری یا مشروطه رفراندوم بخواهد که حتماً حکومت شاهنشاهی را تحویل میدهم. و سوال اینست که این مردم چه جور انسانهایی هستند که هر کدام از این جریانات سیاسی حاضرند سرنوشتشان را به دست آنها بدهند و مردم هم پاسخ مثبت خدمتشان میدهند؟ بهر حال اگر هر کدام از رفراندوم طلبان به عقل و شعور مردم شک نکنند، قطعاً اهداف سیاسی معینی را از مطرح کردن شعار رفراندوم دنبال میکنند که با حرکت مردم و نقش تعیین کننده آنان در تحولات سیاسی ایران مرتبط است. شعار رفراندوم در

صفحه ۴

انترناسیونال هفتگی ویژه

روز یکشنبه اول دیماه ۱۳۸۱ (۲۲ دسامبر ۲۰۰۲)

منتشر میشود:

قطعهنامه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران درباره

"تضمین حق مردم در تعیین نظام حکومتی آینده ایران" و "منشور آزادیهای سیاسی"

همراه با مصاحبه هائی با کورش مدرسی و حمید تقوائی

اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی حزب صفحه ۴

معلمان در تدارک اعتصاب

شهلا دانشفر



وزارت آموزش و پرورش و خانه معلمان و غیره لغو شده و برگزاری هر گونه تجمعی غیرقانونی اعلام شده بود، و علیرغم اینکه اعلام کرده بودند که با هر گونه تجمعی در این روز شدیداً مقابله خواهد شد، معلمان تصمیم گرفتند به خیابان بیایند و با اعتراض خود بر روی خواستههایشان پافشاری کنند. اگرچه در این روز محل تجمع معلمان، پل حافظ در تهران، توسط نیروهای انتظامی رژیم و "کلاه کج ها" تحت کنترل

روز ۲۲ آذر ۴۰۰۰ معلم در تهران به خیابان آمدند و با فریادهای رسا خواستهای خویش را به همگان اعلام کردند. به میدان آمدن معلمان با خواست افزایش حقوقها و حق تشکل به اعتراضات جاری در سطح جامعه عمق بیشتری داد و به آن تداوم بخشید. این حرکت اعتراضی معلمان یکبار دیگر توجه جامعه را به سمت آنان جلب کرد.

در روز ۲۲ آذر علیرغم اینکه اجتماع معلمان از سوی

و محاصره قرار گرفته بود، اما بیش از ۴۰۰۰ معلم تجمع کردند و علیه تبعیض و علیه نابرابری فریاد زدند و خواهان افزایش حقوقها، تسهیلاتی برای تامین مسکن، حق تشکل و دیگر مطالباتشان شدند. در این حرکت اعتراضی

صفحه ۳

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۳۷

۲۹ آذر ۱۳۸۱

۲۰ دسامبر ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

مراسم تأسیس

سازمان

آزادی زن

برگزار شد

صفحه ۳



سه روز تظاهرات

بر علیه

کنفرانس احزاب

ارتجاعی عراق

صفحه ۲

کنگره دوم

حزب کمونیست

کارگری عراق

برگزار شد

صفحه ۲



دو کنگره،

دو سرنوشت

برای

مردم عراق

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کنگره دوم حزب کمونیست کارگری عراق با موفقیت برگزار شد

سه روز تظاهرات بر علیه کنفرانس احزاب ارتجاعی عراق

کنگره دوم حزب کمونیست کارگری عراق با شرکت اکثریت نمایندگان تشکیلات های حزب در کردستان، وسط و جنوب عراق و نمایندگان تشکیلات های حزب در کشورهای کانادا، استرالیا، انگلیس، آلمان، سوئد، نروژ، فنلاند، همچنین با شرکت تعدادی از مهمانان، در اواسط دسامبر در شهر سلیمانیه برگزار گردید.

همچنانکه قبلا به اطلاع عموم رسانده بودیم. قرار بود این کنگره بصورت علنی برگزار شود و شرکت در آن برای همه آزاد باشد. اما اتحادیه میهنی کردستان چند روز قبل از موعد برگزاری کنگره به مانع تراشی بر سر راه برگزاری کنگره متوسل شد و سرانجام برگزاری کنگره را ممنوع اعلام کرد. بدین ترتیب قلمرو سیاست های ضد آزادی اتحادیه میهنی، محدودیتهایی را بر چگونگی برگزاری کنگره تحمیل کرد. این موضوع باعث شد، که اکثریت مهمانان از مردم و نمایندگان احزاب و گزارشگران روزنامه ها و نشریات، و شخصیت های سیاسی و روشنفکران، که حدود ۶۵۰ نفر بودند و برای شرکت در کنگره ثبت نام کرده بودند. نتوانند در کنگره حضور یابند. ابتدا کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع شد. سپس مراسمی در گرامیداشت رفیق منصور حکمت متفکر بزرگ مارکسیست و رهبر جنبش کمونیستی دوره معاصر برگزار شد که به این مناسبت ریوار احمد دبیر کمیته مرکزی سخنان کوتاهی ایراد کرد.

بعد از تأیید اعتبار نامه نمایندگان، کنگره هیئت رئیسه را انتخاب کرد و سپس آئین نامه و دستور جلسات و روال پیشبرد کار کنگره تعیین گردید. کنگره با سخنرانی افتتاحیه ریوار احمد شروع شد، و سپس وارد دستور جلسات رسمی شد که عبارت بودند از: ۱- گزارش کمیته مرکزی ۲- ادعاینامه علیه رژیم فاشیستی بعث و برقراری جمهوری سوسیالیستی در عراق ۳- ادعاینامه در باره ۱۰ سال سیاست و دخالت آمریکا در عراق ۴- جمع بندی از مبحث ضرورت آرایش سیاسی- حزبی جدید برای کمونیسم کارگری در عراق ۵- جمع بندی از اوضاع سیاسی کردستان در ۱۰ سال گذشته و حاکمیت ناسیونالیسم کرد ۶- قطعه نامه در مورد ضرورت تشدید مبارزه بر علیه اسلام سیاسی ۷- قطعه نامه در باره اوضاع دنیای عرب بعد از ۱۱ سپتامبر و وظایف حزب ۸- قرارها و قطعه نامه ها ۹- انتخابات کمیته مرکزی

کنگره بعد از بحث و گفتگو در مورد دستور جلسات تصمیم گرفت که بخاطر فراوان بودن اسناد و قرارهای

پیشنهادی و همچنین محدودیت زمانی، بندهای مربوط به ضرورت تشدید مبارزه با اسلام سیاسی، دنیای عرب بعد از ۱۱ سپتامبر و وظایف حزب، و قرارهای کوتاه را از دستور کار خود خارج و تصمیم در مورد آنها را به کمیته مرکزی منتخب سپارد.

کنگره در مباحث مربوط به پیش از ۳۰ سال حاکمیت رژیم بعث و ۱۰ سال سیاست و دخالت آمریکا در عراق کلیات دو ادعاینامه سیاسی را تصویب نمود. همچنین قطعه نامه ای را در مورد جمع بندی مبحث ضرورت آرایش جدید سیاسی حزبی برای کمونیسم کارگری در عراق و ادعاینامه ای سیاسی علیه ۱۰ سال حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان را تصویب کرد. محور اصلی مباحثات کنگره که همه بندهای دستور جلسه را به هم پیوند می داد، عبارت بود از اوضاع و احوال حساس سیاسی جامعه عراق و کردستان و تغییر و تحولاتی که پیشرویی جامعه قرار گرفته است. مباحث بر تفسیری که حزب کمونیست کارگری عراق باید ایفا نماید، متمرکز شده بود.

کنگره از ابتدای کارش فرصتی را برای اظهار نظر مهمانان در نظر گرفته بود و در پایان هر نصف روز از جلسات رسمی کنگره در فرصت های تعیین شده مهمانان از تریبون کنگره حزب کمونیست کارگری دیدگاههای خود و ملاحظات و پیشنهادات را برای حاضرین در کنگره مطرح کردند. در بخش پایانی کنگره اساس در خواست تعدادی از شرکت کنندگان فرصتی برای بحث و گفتگوی آزاد اختصاص داده شد، که در آن شرکت کنندگان در باره مسائل گوناگون به بحث و تبادل نظر پرداختند.

در بخش انتخابات، کنگره ۳۰ نفر را برای عضویت در کمیته مرکزی انتخاب کرد که عبارتند از رفقا ریوار احمد، امجد غفور، نادیه محمود، هاله رافع، موید احمد، آسو کمال، سامان کریم، محسن کریم، ناسک احمد، زمیناکوز عزیز، کورش ملرسی، کاژاو جمال، آزاد احمد، خسرو سایه، رحمان حسین زاده، طاهر حسن، ساکار احمد، سمیر عادل، شمال علی، عصام شکری، فواد صادق، فارس محمود، حسین صالح، عبدالله محمود، مظفر عبدالله، سعید احمد، ریوار عارف، مهلی رسول، لیلی محمد، رعد سلیم.

کنگره دوم با سخنرانی اختتامیه ریوار احمد به پایان رسید. به این ترتیب دومین کنگره حزب کمونیست کارگری در میان شور و شوق شرکت کنندگان با موفقیت برگزار شد. برگزار کنگره دوم حزب کمونیست کارگری از هر نظر موفقیت بزرگی بود.

کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری عراق

۱۶ دسامبر ۲۰۰۲

شنبه ۱۴ دسامبر

در پشت درهای بسته و محافظت شده کنفرانس در لندن مشتکی شارلاتان و جنایتکار بالفعل و بالقوه جمع شده بودند تا در مورد سرنوشت مردم عراق بعد از صدام تصمیم بگیرند و به توافق برسند. در جامعه ای با مقلل معیارهای انسانی همه این نمایندگان "محترم" امروز قطعا به دادگاههای کیفری تحویل داده میشوند تا به جنایات آنها رسیدگی شود. اینها فقط پرونده ای جنایتکارانه را با خود حمل نمیکنند، آینده ای که قرار است بدست این دستجات رقم زده شود نیز، چیزی جز فلاکت و خفقان و جنایات بیشتر نخواهد بود.

ژنرالهای سابق و معلوم الحال ارتش صدام، خشک مغزان ضد بشری ارتجاع اسلامی دست ساز جمهوری اسلامی ایران، ناسیونالیست هایی که دستشان به خون کارگران بیکار، زنان حق طلب و فعالین سوسیالیست و کمونیست در کردستان آلوده است، و دیگرانی از همین قماش ترکیب کنفرانس کزایی دستپخت آمریکا را تشکیل میدادند.

اما صدای دیگری نیز در اطراف کنفرانس به گوش میرسید: صدای کمونیستها. تظاهراتی با فراخوان حزب کمونیست کارگری عراق واحد بریتانیا و پشتیبانی فعال واحد بریتانیا حزب کمونیست کارگری ایران از همان ساعات اولیه بامداد آغاز شده بود. نمایندگان هنگام رسیدن به محل کنفرانس در هتل هیلتون با صف تظاهرات محکم احزاب کمونیست کارگری مواجه شدند. بلندگوهای قوی و شعارهای مداوم امانشان ننمیداد. دهها نفر با پرچم های بزرگ و پلاکاردهای متعدد در اعتراض به سیاست های ارتجاعی احزاب شرکت کنند در این کنفرانس و اهدافی که از طریق این کنفرانس دنبال می شود شرکت داشتند. هزاران اعلامیه به زبانهای عربی و انگلیسی در میان جمعیتی که در اطراف کنفرانس بودند، پخش شد. بسیاری با بوق زدن و دست تکان دادن از تظاهرات کنندگان حمایت می کردند. رسانه های متعدد که با تصور این آمده بودند که صرفا جلسات بده بستان کیفیت ترین جریانات جامعه عراق را گزارش کنند، متوجه حضور اپوزیسیون دیگری و صف دیگری شدند. صفی که در برابر نسخه سیاه و هولناکی که معامله گران داخل کنفرانس برای مردم عراق می پیچیدند، از انسانیت، آزادی، برابری و حقوق و حرمت مردم، از سوسیالیسم، سخن می گفت. دهها رادیو و تلویزیون و روزنامه و آژانس خبری از سراسر دنیا و خاورمیانه با فعالین حزب کمونیست کارگری مصاحبه کردند. دشتی جمال،

از کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق، در مصاحبه های متعدد اهداف ارتجاعی کنفرانس و علت اعتراض تظاهرکنندگان را برای خبرنگاران توضیح داد. خبرنگار رویتر مصاحبه ای با سعید آرمان داشت. CNN در سایت خبری خود گزارش کنفرانس و مصاحبه کوتاه با سعید آرمان را انعکاس داد و یک شبکه تلویزیونی آلمانی مصاحبه مفصلی با شهناز مرتب، از کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران، داشت که همان شب در آلمان پخش شد.

سخنرانی های متعدد در محکوم کردن کنفرانس و نشان دادن کارنامه جنایت سازمانهای حاضر در کنفرانس در جریان بود. نوری بشیر از حزب کمونیست کارگری عراق به زبان عربی سخن گفت. بهرام سروش به زبان انگلیسی سخنرانی میکرد. ابراهیم محمد به زبان عربی سخن گفت.

عصر آروز خبرگزاری ITN مصاحبه ای تلویزیونی با بهرام سروش داشت که از شبکه تلویزیونی کانال پنج انگلستان نیز پخش شد. مصاحبه ای با بهرام سروش در BBC News Online منعکس گردید. همچنین کانال چهار تلویزیون انگلستان نیز خبر تظاهرات کمونیستهای کارگری را پخش کرد. صدای معترضین به کنفرانس آفتر قوی بود که از درون سالن کنفرانس شنیده می شد.

روز دوم: یکشنبه ۱۵ دسامبر

تظاهرات از ساعت ۹ صبح از سر گرفته شد. در طول روز دوم نیز علیرغم باران و سرمای شدید، اعتراض و سخنرانی پی در پی و شعار دادن در محکومیت کنفرانس و سیاستهای آمریکا ادامه یافت. چندین خبرنگاری و تلویزیون با تظاهرات کنندگان مصاحبه کردند. یک کانال تلویزیونی با دشتی جمال مصاحبه کرد. بهرام سروش با رادیو NDR2 (کانال ۲ رادیوی سراسری آلمان) مصاحبه ای انجام داد. عصر آروز تلویزیون ماهواره ای الجزیره که در سراسر خاورمیانه دریافت می شود و میلیونها بیننده دارد، با دشتی جمال تماس گرفت و مصاحبه مستقیمی با او داشت. در این مصاحبه، دشتی جمال اهداف ضد انسانی کنفرانس، ماهیت و عملکرد ارتجاعی گروه های شرکت کننده در آن، علل اعتراض حزب کمونیست کارگری عراق به این اجلاس و نظرات و اهداف حزب را تشریح کرد. این مصاحبه بلافاصله پس

از مصاحبه این شبکه تلویزیونی یکی از نمایندگان حاضر در کنفرانس و با یکی از سخنگویان دولت عراق صورت گرفت که بنابه خبرهای رسیده انعکاس وسیعی در عراق، کردستان عراق و کشورهای عربی داشته است. از کشورهای مختلف عربی با مسئولین حزب کمونیست کارگری عراق تماس گرفته شد و از تظاهرات و مصاحبه دشتی قدردانی شد.

روز سوم: دوشنبه ۱۶ دسامبر

کنفرانس کزایی به پایان رسیده بود و کنفرانسی مطبوعاتی در جریان بود. تظاهرات کنندگان به تجمع خود در برابر محل کنفرانس و سخنرانی و شعار دادن و توزیع اعلامیه و نشریه ادامه دادند. امروز تری چند از معترضین به داخل سالنی که دهها خبرنگار و افراد دیگر جمع بودند رفتند. اینجا نیز افشاکاری علیه سیاست آمریکا و اهداف و ماهیت شرکت کنندگان در کنفرانس فعالانه جریان داشت. نشریات و اعلامیه هایی به زبانهای انگلیسی و عربی و کردی به حاضرین داده شد. خبرنگاران رپرتاژیایی از سخنان معترضین و تظاهرات تهیه کردند.

سخنرانی ها در بیرون سالن همچنان ادامه داشت: از جمله سمیره احمد به زبان عربی و بهرام سروش به زبان انگلیسی. در ساعت شش بعد از ظهر تظاهرات با شعار دادن و در میان شور شغف شرکت کنندگان پایان یافت.

این تظاهرات سه روزه با استقبال وسیعی از جانب مردم حاضر روبرو شد و در رسانه های بین المللی انعکاس گسترده ای یافت. بنا به گزارشاتی که تا همینجا ما دریافت داشته ایم دهها روزنامه، کانال تلویزیونی، فرستنده رادیویی و سایتهای خبرسانی اینترنتی از تظاهرات احزاب کمونیست کارگری و اهداف آنها خبر و گزارش پخش کردند. کمپین احزاب کمونیست کارگری بر علیه احزاب ارتجاعی عراق و میلیتاریزم آمریکا ادامه خواهد یافت. ما همه مردم شریف و آزاده را به اعتراض به توطئه گری و جنگی که نتیجه گریز ناپذیر آن کشتار وسیع مردم ستم کشیده عراق خواهد بود فرامیخوانیم.

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران

واحد بریتانیا

۱۶ دسامبر ۲۰۰۲

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مراسم تأسیس سازمان آزادی زن برگزار شد

مهرنوش موسوی



مراسم تأسیس سازمان آزادی زن در میان شادی و شمع شرکت کنندگان روز شنبه ۱۴ دسامبر در لندن برگزار شد.

مهرنوش موسوی مجری این مراسم با این جملات این گردهمایی را شروع کرد: امروز یک روز به یادماندنی در تاریخ مبارزه برای آزادی زن خواهد بود. امروز همه ما اینجا گرد هم آمده ایم تا سازمانی را پایه گذاری کنیم که یک رکن مهم مبارزه در راه آزادی و برابری زن در جامعه خواهد بود. این روز به این اعتبار در تاریخ ما و در خاطره ها خواهد ماند.

سپس بیانیه اعلام موجودیت سازمان آزادی زن به سمح حضار رسید. برنامه با نمایش فیلم کوتاه نظرات بزرگ زنان در تهران در سال ۵۷ علیه حجاب اجباری و ستم بر زنان ادامه یافت. این فیلم مستند حاوی صحنه های پرشوری از مبارزات زنان ایران در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی است. نسل جوان زنانی که هرگز به حجاب و به قوانین مذهبی خشونت آمیز علیه زنان رضایت ندادند. زنانی که ۲۴ سال پیش بسیار روشن، رادیکال و بلندپروازانه صدای حق طلبی زنان را در تهران طنین انداز کردند. خروش فریادها و شعارهایشان شرکت کنندگان در مراسم تأسیس سازمان آزادی زن را بشدت تحت تأثیر قرار داد. کسانی که بعضاً خود نیز در این تظاهرات شرکت داشته و دخالت فعال داشتند. زنان جوان در این فیلم شعار میدادند "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" و یا "آزادی زن نه شرقی است نه غربی است جهانی است" و یا "لحظه به لحظه گویم زیر شکنجه گویم یا مرگ یا آزادی".

پس از تماشای این فیلم آذر ماجدی بنیانگذار سازمان آزادی زن سخنان خود را آغاز کرد. در معرفی آذر ماجدی از جمله چنین گفته شد: آذر ماجدی بنیانگذار سازمان آزادی زن یکی از شخصیت‌های شناخته شده و سرشناس جنبش مبارزه برای آزادی زن و برابری زن و مرد است. کوله باری از تجربه در مبارزه نزدیک به ۳ دهه توسط آذر ماجدی به سرمایه این سازمان بدل شده و تکیه گاهی برای کل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران است. وی یکی از سازماندهندگان

مراسمهای روز جهانی زن، ۸ مارس در سال ۵۷ در تهران بود و به عنوان یکی از دو نماینده سازمان بیداری زن در تارک کفرانس مشترک سازمانهای مختلف زنان در ایران در پاییز سال ۵۸ در دانشگاه پلی تکنیک تهران شرکت داشت. از سال ۶۳ تاکنون در خارج کشور مبتکر برگزاری کنفرانسهای مهمی چون کنفرانس های ملوسا بوده است، کانون زن و سوسیالیسم را بنیان گذاشته و سردبیر نشریه ملوسا و رئیس مرکز حقوق زنان خاورمیانه است. او همچنین در کنفرانسها و سمینارهایی از جمله کنفرانس بررسی موقعیت و حقوق زنان در کشورهای اسلام زده که از سوی مرکز مطالعات زنان خاورمیانه و سازمان عفو بین الملل ترتیب یافته بود به عنوان یکی از سخنرانان اصلی شرکت داشته است. از آذر ماجدی تا کنون مطالب و مقالات متنوعی در باره حقوق زنان به چاپ رسیده که همچنین به زبانهای انگلیسی، سوئدی و آلمانی نیز ترجمه و با استقبال روبرو شده است.

آذر ماجدی سخنرانی خود را با برشمردن دلایل ضرورت و اهمیت تشکیل سازمان آزادی زن در اوضاع سیاسی حاضر ایران و همچنین تأکید بر ضرورت تأمین رهبری، هدایت و تمرکز فعالیتهای و مبارزات یک جنبش وسیع آزادیخواهی و برابری طلبی آغاز کرد. او در سخنرانی خود گفت تصور کنید که اگر جریان ما و تلاشها و نقشه و پلاتفرم ما برای به ثمر رساندن مبارزه زنان علیه ستم موجود نبود چگونه جنبش زنان در تاریخ خود بوسیله جریانها و جنبشهای سیاسی دیگر به کجراه برده شده و رهبری آنها به جنبش حق طلبی ما تحویل میشد.

آذر ماجدی با فراخوان پیوستن همه زنان، دختران و همه مبارزین راه آزادی زن به این سازمان سخنان خود را به پایان برد. او گفت که هر دختری که با این سوال ساده روبرو شود که چرا من نمیتوانم کارهایی را بکنم که پسرها اجازه انجام آنها دارند جایش در این سازمان است. عضویت و مشارکت برای خلاصی از ستم بر زنان در این سازمان به همین سادگی

است. این سازمان باید به یک سازمان وسیع توده ای علیه ستم بر زن بدل شود. در حالیکه آذر ماجدی سخنرانی خود را در میان کف زدن حضار به پایان میرسد. مهرنوش موسوی با تقدیم دسته گل زیبایی رو به آذر ماجدی و شرکت کنندگان این مراسم این چنین گفت: اجازه می‌خواهم از جانب همکاران و همزمان آذر ماجدی در مبارزه برای آزادی زن و در این سازمان به پاس قدردانی از این اقدام بزرگ برای تأسیس و بنیان گذاشتن سازمان آزادی زن، به خاطر رنج و تلاش بی وقته آذر ماجدی، به خاطر تهور و همچنین درایت وی در این مبارزه و برای هدایت و رهبری آن این دسته گل زیبا را به او تقدیم کنم. حاضرین این مراسم با کف زدن، شادی خود را ابراز کردند.

پس از آن مینا احدی به سخنرانی پرداخت. در بخشی از معرفی زندگینامه مینا احدی گفته شد: مینا احدی هم در داخل و هم در خارج ایران یک چهره محبوب و شناخته شده است. مینا احدی سالهاست که در کنفرانسهای مهم در سطح بین المللی از جمله کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین، کنفرانس پکن، کنفرانس واید و کنگره بین المللی زنان در آلمان یکی از سخنرانان بوده است. مینا احدی بنیانگذار و رئیس کمیته بین المللی علیه سنگسار است. کمیته بین المللی علیه سنگسار یک شبکه جهانی متشکل از ۲۰۰ سازمان و نهاد در سراسر دنیاست.

مینا احدی در بخشهایی از سخنان پرشور خود گفت: تشکیل سازمان آزادی زن یک اهرم مهم برای تغییر موقعیت زن در جامعه است. مینا احدی به کلیه زنان و کسانی که خبر تشکیل این سازمان را شنیده اند فراخوان داد که به هر شکلی که میتوانند در محل کار و زندگی خود دیگران را از وجود این سازمان مطلع کرده و خود به آن پیوندند.

در ادامه بخشهایی از چندین نامه که تاکنون از جانب دوستداران سازمان آزادی زن به دست آذر ماجدی رسیده است، قرائت شد. در یکی از این نامه ها از تهران چنین آمده است: "خانم ماجدی عزیز پیشاپیش صمیمانه ترین درودهای من و همسر را بخاطر تمامی تلاشهای انسانیاتان

پذیرا باشید. من به عنوان یکی از میلیونها زنی که سالهای طولانی تحت ستم مذهب و قوانین ارتجاعی مرد سالاری بودم، بنیانگذاری سازمان آزادی زن را تبریک گفته و آمادگی خود و همسر را برای همکاری و همراهی تان اعلام میداریم. منتظر تماساتن هستیم. شاد باشید.

در قسمت بعدی برنامه، نمایندگان تشکلهای و نهادهای مختلف فعال در عرصه حقوق زن پیامهای حمایت و پشتیبانی خود را از سازمان آزادی زن اعلام کردند. پروین کابلی از طرف کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان

پس از آن مینا احدی به سخنرانی پرداخت. در بخشی از معرفی زندگینامه مینا احدی گفته شد: مینا احدی هم در داخل و هم در خارج ایران یک چهره محبوب و شناخته شده است. مینا احدی سالهاست که در کنفرانسهای مهم در سطح بین المللی از جمله کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین، کنفرانس پکن، کنفرانس واید و کنگره بین المللی زنان در آلمان یکی از سخنرانان بوده است. مینا احدی بنیانگذار و رئیس کمیته بین المللی علیه سنگسار است. کمیته بین المللی علیه سنگسار یک شبکه جهانی متشکل از ۲۰۰ سازمان و نهاد در سراسر دنیاست.

مینا احدی در بخشهایی از سخنان پرشور خود گفت: تشکیل سازمان آزادی زن یک اهرم مهم برای تغییر موقعیت زن در جامعه است. مینا احدی به کلیه زنان و کسانی که خبر تشکیل این سازمان را شنیده اند فراخوان داد که به هر شکلی که میتوانند در محل کار و زندگی خود دیگران را از وجود این سازمان مطلع کرده و خود به آن پیوندند.

در ادامه بخشهایی از چندین نامه که تاکنون از جانب دوستداران سازمان آزادی زن به دست آذر ماجدی رسیده است، قرائت شد. در یکی از این نامه ها از تهران چنین آمده است: "خانم ماجدی عزیز پیشاپیش صمیمانه ترین درودهای من و همسر را بخاطر تمامی تلاشهای انسانیاتان

پس از آن مینا احدی به سخنرانی پرداخت. در بخشی از معرفی زندگینامه مینا احدی گفته شد: مینا احدی هم در داخل و هم در خارج ایران یک چهره محبوب و شناخته شده است. مینا احدی سالهاست که در کنفرانسهای مهم در سطح بین المللی از جمله کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین، کنفرانس پکن، کنفرانس واید و کنگره بین المللی زنان در آلمان یکی از سخنرانان بوده است. مینا احدی بنیانگذار و رئیس کمیته بین المللی علیه سنگسار است. کمیته بین المللی علیه سنگسار یک شبکه جهانی متشکل از ۲۰۰ سازمان و نهاد در سراسر دنیاست.

در ایران، هلاله طاهری بنمایندگی از طرف کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان، اعظم کم گویان از جانب کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه و سارا محمد از تشکل پلا و فاطمه را فراموش نکن پیام های خود را قرائت کردند.

در پایان این مراسم آذر ماجدی به سئوالات شرکت کنندگان در زمینه های مختلف فعالیت آتی سازمان آزادی زن پاسخ گفت.

مراسم تأسیس سازمان آزادی زن در میان کف زدن ممتد حاضرین پایان یافت. ■

از صفحه ۱ معلمان در تدارک اعتصاب

معلمان در برابر هجوم وحشیانه نیروهای سرکوبگر مسلح به باتوم ایستادند و علی‌رغم ضرب و شتم آنان و پرتاب گاز اشک آور بسویشان، معلمان همچنان با دستهای بهم زنجیر شده و صفوف فشرده به پیش رفتند و خواهان مطالبات خود شدند. نیروهای انتظامی دستور داشتند که با تمام قوا جلوی این حرکت را بگیرند و نگران از پیوستن مردم به صفوف معلمان بر هیچ کس رحم نکرده و پیر و جوان را میزدند. اما معلمان هنگامیکه در برابر حملات نیروهای رژیم ناگزیر شدند که متفرق شوند، با روحیه و عزم راسخ یکدیگر را به اجتماع بعدی دعوت میکردند.

تجمع اعتراضی معلمان در روز ۲۲ آذر بار دیگر پتانسیل بالای نیروی اعتراضی این بخش از جامعه را به نمایش گذاشت. شعارهای معلمان علیه تبعیض و نابرابری و فراخواندن مردم و کل جامعه به حمایت از پشتیبانی و پیوستن به صفوف اعتراضشان حاکی از رادیکالیسم این حرکت و هوشیاری بالای معلمان در تشخیص درست شرایط و پیگیری خواستها و مطالباتشان بود. بدنبال این حرکت معلمان تصمیم گرفتند روز ۲۶ آذر در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع داشته باشند. این روز معلمان بر سر قرار آمدند اما با اشغال منطقه توسط نیروهای ضد شورش تجمع آنان در مقابل مجلس انجام نگرفت، و هم اکنون بدست گرفتن ابزار موثر اعتصاب به موضوع بحث در

خود را بنیان بگذارند. ■

دو کنگره، دو سرنوشت برای مردم عراق

مظفر محمدی

اینها در ۱۰ سال اخیر تحولات منطقه و عراق از جنگ خلیج به بعد، در جنوب و مرکز و یا شمال عراق، هر جا نقش و حضوری که داشته اند جز تخریب و آزار و ترور نفعی به مردم نرسانده اند.

کنگره اپوزیسیون اعلام کرد که طرفدار عراق فدرال، سرمایه داری و حاکمیت اقوام و عشایر و اسلام تحت پرچم آمریکاست. آنها همگی دعا کردند که تحولات به شیوه مسالمت آمیز انجام شده و صدام حسین شروط آمریکا را بپذیرد. همه آنها بوش و جمهوری اسلامی و دولت ترکیه را خاطر جمع کردند که از خطی که برایشان کشیده شده پا فراتر نینمایانند. و بالاخره همه آنها برای تحقق آرزوهایشان به آمریکا پشت بستند و گفتند از این کار خود شرم نمیکنند!

چشم انداز و سناریوی تحولاتی که قرار است توسط آمریکا و متحدینش و دولتهای منطقه در عراق بوجود بیاید از همین حالا مثل روز روشن است. عراق فدرالی به رهبری آمریکا و تحت حاکمیت جریانات قومی و اسلامی و عشییری چیزی بهتر از دولت کزازی در افغانستان بعد از طالبان نخواهد بود. و این تازه سرآغاز کشمکشهای جدید بین گروههای قومی و مذهبی مختلف از کرد و عرب و آشوری و ترکمن و شیعه و سنی خواهد بود. علاوه بر اینکه بین خود این فرقه ها و عشایر توافقی وجود نداشته و نخواهد داشت و کماکان شکم همدیگر را پاره کرده و گردن همدیگر را خواهند زد، نتایج تحولات مور نظر آنها در این جبهه مستقیماً علیه حقوق و منافع کارگران، زنان، جوانان و مردم مستبدیده عراق خواهد بود. بعنوان یک نمونه، انتظار اینکه کردستان در چارچوب عراق فدرال و تحت حاکمیت ناسیونالیسم کرد، سرنوشت و آینده متفاوت با سرگردانی

کنونی این منطقه داشته باشد، انتظاری بیهوده و عبث است.

در جبهه دیگر، کنگره دوم حزب کمونیست کارگری عراق، ترکیب نمایندگان و حاضرین در آن را کمونیستها و زنان و مردان شریفی تشکیل دادند که از بر پا کنندگان شوراها ماس ۹۱، مبارزان راه آزادی و برابری و مخالفان سرسخت قوم پرستی، مرد سالاری و نابرابری زن و مرد و دخالت مذهب در زندگی مردم بوده و کسانی که در جریان مبارزه سرسختانه برای سرنگونی رژیم صدام از زندانهای این رژیم جان سالم بدر برده اند.

به لحاظ محتوا و اهداف، کنگره دوم حزب اعلام کرد که رژیم صدام باید با اراده و تصمیم انقلابی مردم عراق و به میدان آمدن کارگران، زنان، جوانان و همه مردم آزادخواه سرنگون شود.

به بیش از یک دهه دخالت و تحمیل سیاستهای آمریکا و دولتهای منطقه در عراق باید خاتمه داده شود و تعیین سرنوشت مردم به خود آنها سپرده شود. باید حاکمیت بیش از یک دهه احزاب ناسیونالیست در کردستان پایان یابد و سرنوشت مردم کردستان به آرای عمومی و رفاندم آزاد واگذار شود و به خواست و اراده مردم برای تشکیل یک دولت مستقل احترام گذاشته شود و به رسمیت شناخته شود. دست اسلام سیاسی و جریانات مرتجع و تروریست اسلامی وابسته به رژیم ایران از زندگی مردم کوتاه شود... کنگره دوم حزب کمونیست کارگری عراق اعلام کرد آلترناتیو رژیم صدام یک جمهوری سوسیالیستی است که با دخالت مستقیم مردم از پایین و توسط شوراهایشان تشکیل شده و جامعه ای سوزگوار، آزاد و برابر را بنیان خواهد گذاشت. جامعه ای که آزادی بی قید و شرط سیاسی، برابری زن و مرد، کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم، پایان

اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

رساند.

دفتر سیاسی در این جلسه هیات دائم دفتر سیاسی را بشرح زیر انتخاب کرد: رحمان حسینزاده، فاتح شیخ‌الاسلامی، اصغر کریمی، اسد گلچینی، آذر ماجدی، حسین مردابیگی (حمسور) و آذر مدرسی. بعلاوه دفتر سیاسی کورش مدرسی را به اتفاق آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی، که در عین حال ریاست هیات دائم دفتر سیاسی را نیز برعهده دارد، انتخاب کرد.

دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ دسامبر ۲۰۰۲ (۲۶ آذر ۱۳۸۱)

مطرح میکند و این تازه سرآغاز تقابلهای و کشمکشهای اجتماعی بین این نیروی مردم از طرفی و ناسیونالیسم و ارتجاع و مذهب و دخالت دولتها از طرف دیگر خواهد بود.

این چشم انداز و دریچه ای تازه به روی مردم و کمونیسم کارگری است. نقشی که کمونیسم کارگری و حزین در این تحولات ایفا میکند، تعیین میکند که کدام جبهه پیروز میشود، جبهه ارتجاع به رهبری آمریکا یا جبهه مردم آزادخواه و برابری طلب به رهبری کمونیسم کارگری و حزب آن.

کشمکش تاریخی و اجتماعی جلیبی در عراق شروع شده است. هر دو کنگره چشم به اهداف و نقش تاریخی خود دوخته اند. باید چشم مردم را به حقایق این دو جبهه و اهداف آن باز کرد. باید مردم را به فشرده و متحد کردن نیروی خود تحت پرچم کمونیسم کارگری و اهداف انسان دوستانه، برابری طلبانه و آزادخواهانه منصور حکمت فرا خواند.

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی و حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی در تاریخ ۱۶ و ۱۷ دسامبر ۲۰۰۲ (۲۵ و ۲۶ آذرماه ۱۳۸۱) تشکیل شد. در این جلسه اسناد تهیه شده توسط کمیسیون منتخب اجلاس گذشته دفتر سیاسی در رابطه با اوضاع سیاسی ایران و همچنین تاریخ پلنوم کمیته مرکزی مورد بحث قرار گرفتند. در بحث اوضاع سیاسی ایران، دفتر سیاسی بعد از بحث تفصیلی در مورد اسناد پیشنهادی کمیسیون دو سند "قطعنامه در باره تضمین حق مردم در تعیین نظام حکومتی آینده ایران و "منشور آزادیهای سیاسی" را به تصویب

دادن به خرافه ناسیونالیسم و قوم پرستی و سرانجام لغو کار مزدی و برابری همه جانبه انسانها در سر لوحه آن قرار داد.

کنگره دوم حزب اعلام کرد که نیروی متحقق کننده این اهداف، کارگران، زنان، جوانان، روشنفکران و کل مردم آزادخواه عراق است. نیرو و جبهه ای که بیش از ۳۰ سال تحت سرکوب حاکمیت ننگین بعث بوده و در کردستان یک دهه در فضای سرگردانی و بی افقی و ناامیدی تحت تسلط احزاب ناسیونالیست قرار داشته اند. با اینوجود این نیروی عظیم مردم عراق هیچگاه با احزاب و جریانات راست و ناسیونالیست عرب و کرد و با قوم پرستی و نظام عشییری و با اسلام سیاسی و تروریسمش توافق و همخوانی نداشته و ندارد. این نیروی است که چپ، آزادخواه و برابری طلب است. نیرویی است که در تحولات کنونی و آتی عراق به میدان میاید، فشارش را می آورد و خواستههایش را

با اینوجود عنصر دو خردادی مستاصل چاره ای ندارد که به آن فکر کند و آنرا به رخ جناح راست بکشد.

از طرف دیگر، رهبر و جناح راست اجازه رفاندوم در جمهوری اسلامی را نمیدهند. هر رفاندومی، حتی آنهایی که دو خردادیها به آن اشاره میکنند، جناح راست حکومت را هدف قرار میدهد. بنابراین روشن است که حکومتی که موجودیتش را تاکنون با قتل و کشتار مردم و اعدام بیش از صد هزار انسان حفظ کرده و دامن به اوایشان و چاقوکشان حزب الهی و لباس شخصی و امثالهم تکیه کرده است، علیه خودش و نهادهایش رفاندوم نمیکند و اجازه برگزاری آن را نمیدهد. هم اکنون دو خردادیهایی را که از مردم درباره رابطه با آمریکا نظر خواسته اند، دارند به جرم جاسوسی و فروش اطلاعات به بیگانه به حکم های سنگین محکوم میکنند.

بخاطر همین از انحلال حزب مشارکت حرف میزند و شرعتماری از "پالایش و تطهیر بسیار نزدیک صحنه سیاسی از وجود منافقین جدید" خبر میدهد. بنابراین رفاندوم از نظر جناح راست منتفی است، چون واضح است که هر قدم کوتاه آمدنشانی یعنی ده قدم پرتاب شدن به سمت سرنگونی است. برگزاری رفاندوم در جمهوری اسلامی با هدف تعلیل حکومت و یا تحمیل چیزی به جناح راست نشدنی است و تبلیغات دو خرداد در مورد جایگاه آن بی پایه است. ادامه دارد

است، دیگر اگر نظارت استصوابی هم جزو اختیار شورای نگهبان نباشد که صلاحیت نماینده دو خردادی را نتواند رد کند، چه عاید مردم میشود؟ هیچ خواسته و مطالبه ای که دو خردادیها برای تحقق آن موعظه رفاندوم بکنند، به حل مشکلات مردم و به خواستههای آنها ربطی ندارد. مردم در کار سرنگونی کل حکومت اسلامی هستند و طبیعی است که رفاندوم برای اصلاح رژیم را مسخره بدانند. اما این واقعیت هرچند بر دو خردادیها هم روشن است، چرا باز هم با اما و اگر از رفاندوم حرف میزنند؟ باین دلیل که اولاً آنرا حربه ای برای امتیاز گیری از جناح مقابل میدانند. فکر میکنند که در یک توازن قوایی که هنوز حرکت مردم به در هم پیچیدن قطعی کل حکومت نرسیده باشد، بخشی از مردم ممکن است هنوز برای نه گفتن به کل حکومت از رفاندوم استقبال کنند و در نتیجه وزنه سنگین تری را در مقابل جناح راست داشته باشند. دلیل دوم اینست که بهرحال دو خرداد بدون وجود کل جمهوری اسلامی معنی ندارد و در نتیجه رفاندوم را راهی میدانند که حرکت مردم را بسوی سرنگونی کل رژیم کند نماید. اما اگر در انتخابات سال ۷۶ رای برای مردم با هدف افزایش شفاف درون حکومت اسلامی جانی داشت، امروز که جنبش سرنگونی پیشروی کرده و شکست مفتضحانه پروژه اصلاح رژیم اسلامی هم عیان شده، رفاندوم برای مردم کاملاً پوچ است. رفاندوم شعار مردم نیست،

از صفحه ۱ جایگاه رفاندوم در ...

ایران در مجموع یک حربه سیاسی است که قرار است نقش مردم را در رقم زدن آینده سیاسی ایران و سرنوشت آنان ترمز کند. اما جایگاه شعار رفاندوم برای تغییر در داخل حکومت اسلامی و نقش آن برای تغییر حکومت تفاوتی دارد که لازم میکند جداگانه بررسی شوند، در اینجا ابتدا بطور مختصر به جایگاه این شعار در داخل حکومت میپردازم.

شعار رفاندوم در درون حکومت به دو دلیل مهم پوچ است و هیچ نقشی را در سیر حرکت مردم نمیتواند ایفا کند. اول بدلیل رابطه مردم با جمهوری اسلامی و دوم بدلیل موضع جناح راست در مقابل آن. در داخل حکومت، شعار رفاندوم اساساً از جانب گروه های دو خردادی مطرح میشود که تبلیغ و تهدید میکنند که اگر فلان و بهمان نشود چاره ای جز رفاندوم و مراجعه به آرای عمومی مردم ندارند. اما رفاندوم مثلاً برای افزایش اختیار رئیس جمهوری که نیروی انتظامی اش هر روز اعتراض مردم را سرکوب میکند و بر کل دستگاه سرکوب و وزارت اطلاعات و زندانهایش ریاست میکند، ربطی به آزادی و حقوق و حرمت مردم ندارد. یا جایی که مجلس دو خردادی با تمام هیبتش جلو چشم مردم